

و به قدری از لحاظ اجتماعی و تحلیل کودک و سفیه تشریف دارند که جدا از اینکه ترس از عقوبت چیزی ندارند تمام المان‌هایی که آنان را متعهد به خود، خانواده و شغلشان کرده بوده را نیز فدای امیال می‌خورانه‌ی خود میکنند و تا انتهای فیلم نیز هارمونی و وضوح آنان با فضای درس و همچنین رابطه تنگاتنگ‌شان با دانشجویان - به‌غیر از تاحدی مارتین - احساس نمیشود.

فیلم قبل از اینکه از من شخصی کاراکترهایش پرنسیپی بسازد تا فردیت هر کدامشان به ثبات برسد صرفاً با پوشش من اجتماعی‌شان - شغل مثلاً آموزش‌گری - تاکیدی مذبوحانه بر میانمندی و سرمستی میکند آنچنان که به مثابه یک راه حل در یک محیط علمی تحقیقی یکی از همین معلمین به شاگرد خود مشروب را برای پاس کردن واحدش پیشنهاد میکند!

اما فیلم از نکات خوب نیز بی‌بهره نیست، زیرا با حفظ موضع لیبرال و ضد خانواده خود، ضربه و شدت آسیبی که یک خانواده از وجود مشروب نیز ممکن است بخورد را در سکانس ملاقات آخر مارتین با «آلیکا» نمایان میسازد. چنانکه همسرش «آلیکا» با وجود منش تک‌ساحتی از محق دانستن خیانت خود به همسرش و رفتار «مارتین» با او از برای تعهدی که برای دوری از مشروب به «آلیکا» زمانی داده بود در کافه پاره پایانی فیلم گرایش به نگاه آسیب‌شناسانه خانوارهای دانمارکی دارد. آنچنان که آلیکا از فرط ضربه‌ای که مارتین به وی زده است، در برابر وی به الکل پناه میبرد و این همان رنجی است که مارتین میکشد؛ رنجی که خود و الکل مسببش شده است به طوری که تا مارتین قصد بیان اشتباه از کرده خود را دارد، گارسون بطری مشروب را در برابرشان حاضر میکند، همان عامل اخلاقی که دو طیف دعوا را به ورطه جدایی نزدیک کرده است - به همین سبب وقتی مارتین در صدد امتناع از نوشیدن هیستریک «آلیکا» است همسرش به‌طور صریح دست‌رد به سینه او می‌زند.

اما وینتر برگ گستره‌ی مواضع فیلم خود را خالی نمیکند لذا تعدا و آشکارا، از سنگر شعاری آزادخواهانه‌اش به وجود بی‌ضرورت و عامدانه یک دختر محجبه در کلاس بر رأس تاکید میکند تا همگان متوجه یک دختر محجبه در کلاس نیز بشوند تا در یابند که چقدر بستر روایی فیلم در کالبد و منشی آزادخواهانه به همگی اجازه انتخاب میدهد که میتوانند.

که صفت ذاتی و جدانشدنی شخصیت میشود. مهم نیست که فیلم چه میزان طرفدار پر و پاقرص دارد، مهم این است که در نقد بنگریم فیلم از قیل ذات مدیوم‌مند خود یعنی تصاویر، از زبان بی‌رحم سینما که ناخودآگاه فیلمساز را با تکنیک و فرم خود برملا میسازد فرکانس «چه» نگره و سنگری را، «چگونه» به مخاطب الصاق میکند که بایستی بگوئیم فیلم «Drunk» نه تنها قادر نیست که چیزی به مخاطب ارائه دهد بلکه حتی نمیتواند چیزی را نیز از مخاطب بگیرد؛ به عبارت دیگر فیلم در برقراری کشمکش و تعامل دراماتیک با مخاطبش سترون است چنانچه از قبل، مفهومی را نیز با تئوری‌های لیبرال - اومانیتیش آب کرده تا مقام و ماهیت انسان فیلم، به نیازهای مادی، تنائی و بدوی چون مشروبات الکلی کاسته شده است. این نکته را نیز علاوه بر پوستر فیلم، عنوان اثر نیز کاملاً بروز میدهد.

از لحاظ شخصیت‌پردازی به راستی چه میزان از تاهل، سواد و بعدی از شخصیت اجتماعی و خصوصی «مارتین» بر ایمان ملموس میشود؟ چه دغدغهای از او جدا از تن دادن به امیال هم‌پیلگی‌هایش - نه همکارانش - و اسیر الکل بودنش هویدا میشود؟ و چگونه میتوانیم به واسطه کنش‌های خام و نسنجیده‌اش او را به منزلت مقام پدر یک خانواده و یا حتی منصوب شده بر پرئسیب یک آموزگار ببینیم؟ چه میزان از اخلاقیات شخصی و منویات و درونیات روانی «مارتین» برای مخاطب متعین و مشهود میشود که بتواند فونداسیون روانی و تمامیت منش‌های او را در موقعیت‌های مختلف متصور شود؟ این میان فیلمساز نیز به مدد آنچه از بیرون فیلم خوانده است و بدش هم نمایا می‌برد بر خمره زند و همه آنچه از ذهنش عبور میکند را در یک فیلم بگنجانند، از نام و فلسفه «سورن کی‌یر کگور» که هیچ دخل و کار کردی به بذر ضد قصه فیلم ندارد بهره میجوید تا از کنشی وقیح توجهی اومانیتستی و قابل اغماض را از آن خود کند.

فیلم از لابلای گری و بی‌قیدی جوانانی که گویی در حال اجرای یک مسابقه با مشروبات الکلی هستند، با دوربینی به شدت گیج و ناتوان - که زیر دست و پا دائم در حال لگد خوردن است - شروع میشود و سپس از دل ریخت و پاش آنان، نوعیت گروه خود را خاص تر کرده و این بار به درون معلمین می‌رود. آنانی که هیچکدام بالقوه‌نه صاحب منیت هستند و نه از هویت لازم برخوردارند و صرفاً نام آموزگار را یدک میکشند



فیلم قبل از اینکه از من شخصی کاراکترهایش پرنسیپی بسازد تا فردیت هر کدامشان به ثبات برسد صرفاً با پوشش من اجتماعی‌شان - شغل مثلاً آموزش‌گری - تاکیدی مذبوحانه بر میانمندی و سرمستی میکند آنچنان که به مثابه یک راه حل در یک محیط علمی تحقیقی یکی از همین معلمین به شاگرد خود مشروب را برای پاس کردن واحدش پیشنهاد میکند!

یعنی نقد آنچه رخ دادنی به نقض خوش سلیبگی کارگردان واقف است - بی‌موضع - پذیراست اما در حال اتفاق است - بی‌موضع - پذیراست اما فیلم از قبل آنچه در جهان فیلم رخ داده است اول از همه تن به موضع بیرون از جهان فیلم میدهد. یعنی از قبل تعرفه‌های این جنبش که فیلم نباید در دسته بندی‌های ژانریک قرار گیرد و قصه‌اش نقل و شرح موقوف امروز - مبتنی بر جهان قصه - باشد را منقضی کرده و در اولین گام خود، وینتر برگ از دل فیلمش دو دست تسلیمش را به اختیار و انهادن موازین فرهنگی جوامع لیبرالیستی کشورهای اروپایی بالا برده است.

با اینکه از عنوان و ماهیت اسمی فیلم چیزی جز برای تقلایی برای توجیه ایستایی در وضعیت موجود در نوعی خلسگی، کرختی، بی‌قیدی و لابلای گری به صورت متنی و فرمیک یافت نمیشود؛ پوستر معروفش نیز ضد درام و ایستاست. کاراکتر را در حین می‌خواری فیکس کرده و گویی عامدانه لحظه خلسه‌وار سر مست گونه‌اش از او را به مثابه یک شناسه از قبل انسان بودن او مانا می‌کند. بطری‌ای

